

تحلیل مختصری از جنگ حماس و اسرائیل

بتاریخ «۷ اکتوبر» ۲۰۲۳ میلادی گروه های اسلامی «حماس و جهاد اسلامی» (حاکمان غزه) یک تهاجم نظامی غافلگیرانه را در خاک اسرائیل انجام داده و طی آن ۱۲۰۰ تن را بشکل فجیعی بقتل رسانده که ۳۵۰ تن آن ها نظامی بوده و باقی افراد ملکی و (۲۵۰) تن آنان از جمله اشتراک کننده های یک فستیوال موسیقی بودند و ۲۴۰ تن از جمله کودکان خردسال زنان جوان و افراد مسن) را گروگان گرفتند. که بدون شک قتل غیرنظامی ها و گروگانگیری اطفال و زنان و افراد مسن و شکنجه آن ها یک عمل جنایتکارانه بوده و از جمله جنایت جنگی نیز محسوب می شود و این جنایت حماس و جهاد اسلامی شدیداً محکوم است. فردای آن بتاریخ «۸ اکتوبر» دولت صهیونیستی و فاشیست اسرائیل موجی از وحشت و بربریت را از طریق فضا و زمین و دریا در خاک «غزه» آغاز کرد. از آن تاریخ تاکنون طبق ادعای دولت جنایتکار اسرائیل طیارات جنگی آن روزانه بیش از ۲۵۰ حمله را در غزه انجام می دهند که تاکنون بیش از ۲۵ هزار تن فلسطینی را بقتل رسانده که حدود ۹ هزار تن آنان کودکان هستند و بیش از ۶۰ هزار تن را مجروح و معلول ساخته و بخش اعظم (حدود نود درصد) از آبدیها و زیرساختها مراکز عام المنفعه و خانه های مردم را در خاک «غزه» به ویرانه مبدل کرده است. این رژیم خونخوار و وحشی طی سه و نیم ماه ده ها صدها هزار تن بمب آتشنا را بر سر خلق فلسطین ریخته است. بعبارت دیگر طی این مدت «از آسمان و زمین غزه مرگ میبارد». داستان وحشت و کشتار و ویرانی چنگیز و هلاکویک بار دیگر در قرن ۲۱ میلادی بوسیله صهیونیستهای فاشیست به حمایت امپریالیسم امریکا و امپریالیستهای اروپایی در سطح محدودی تکرار می شود. طی این مدت حدود دویلمیون تن زنان و اطفال و مردان از باشندگان «غزه» از ترس کشتار و وحشی گریهای ارتش دولت اسرائیل با پای پیاده و شکم گرسنه همواره در بین شمال و جنوب سرزمین غزه سرگردان و آواره بوده هستند. و اکثراً شبهار ابدون سرپناه و حداقل وسایل و پوشاک و غذا در هوای سرد گذرانده و می گذرانند. هزاران تن آنان خاصاً اطفال با انواع بیماریها و عدم دسترسی به کمکهای صحی و دوا جان داده اند. گرسنگی و عدم دسترسی به حداقل امکانات زندگی در غزه بیداد می کند. عده ای غزه را «جهنم» روی زمین» خوانده اند (البته یکی از «جهنمهای» روی زمین). این همه کشتار و وحشیانه خلق فلسطین و این همه آلام ورنج و فشارهای روانی و مصایب بیشمار و انواع مظالم و ستم و سبوعیت رژیم صهیونیستی و فاشیست اسرائیل که همه روزه بر خلق فلسطین روا داشته می شود را در این مختصر نمی شود به آن پرداخت.

فعالیت نظامی گروه های «حماس و جهاد اسلامی» علیه دولت صهیونیست اسرائیل را در گذشته پرتاب چند موشک به خاک اسرائیل و پرتاب کوکتل و سنگ پرانی بجانب ارتش اسرائیل تشکیل می داد و بالمقابل دولت اسرائیل آن ها را با فیر گلوله و بمباران وحشیانه و کشتار چند صدتن فلسطینی و مجروح کردن چند هزار تن و ویرانی گسترده خانه های شان پاسخ می داد. ولی این بار با این شیوه عملیات غافلگیرانه که بر توان و «پرستز» استخبارات نظامی دولت اسرائیل ضربتی وارد آمد؛ دولت اسرائیل بشکل جنون آمیزی چند ده مرتبه بیش از دفعات قبل خلق مظلوم فلسطین را مورد حملات و وحشیانه از طریق فضا و زمین و دریا قرار داد. حاکمان «غزه» در برابر این عملیات ماجراجویانه ای شان از چنین پاسخی از جانب اسرائیل علیه خلق مظلوم فلسطین آگاهی داشتند. لیکن ملاحظه می شود که خود حاکمان فلسطینی (غزه) برخلاف تصورات شان که در جنگهای قبل بعد از آتش بس؛ جایگاه سیاسی شان در بین مردم فلسطین تاحدی تقویت

می شد و از کمک‌های چند صدمیلیونی مالی و اقتصادی جهت « بازسازی » ویرانیهای حملات هوایی دولت اسرائیل مستفید شده و مبالغ درشتی را به جیب می زدند. ولی این بار دولت اسرائیل قصد دارد که تاحدزیادی ستونهای قدرت دولتی آن هارادر غزه تخریب و تضعیف کند. و «کمک‌های» احتمالی چند صدمیلیونی « بازسازی» غزه را خودبا گروه های دیگری مدیریت نماید. بهر صورت ماهیت و خصلت طبقاتی دولت صهیونیستی و فاشیست اسرائیل مشخص بوده و ستم و مظالم و وحشی گریها و جنایات و اعمال سبعانه و ضدانسانی آن علیه خلق فلسطین طی بیش از هفت دهه اخیر ادامه داشته است. همچنین ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و خصلت طبقاتی گروه های ارتجاعی حماس و جهاد اسلامی و دیگر همسخان آن هانیز معلوم است. و این گروه های ارتجاعی اسلامی مبارزه خلق فلسطین را طی این مدت بر طبق نقشه ها و آمل و استراتژی ها و اهداف شان و حامیان آن ها از جمله دولت ارتجاعی ایران از مسیر اصلی آزادی خواهانه و رسیدن به استقلال واقعی و داشتن کشور مستقل و حق تعیین سرنوشت^۱ منحرف کرده و به شکست کشانده اند. برنامه ها و عملیات این چینی این گروه های ارتجاعی علیه صهیونیسم و امپریالیسم نه اینکه خلق فلسطین را به خواستهای واقعی شان (کشوری مستقل و آزاد) نزدیک نساخته که هر بار تمسکی به دست دشمن نیرومند و خونخوار آن ها داده که به قتل و جرح هزاران تن آن هاتمام شده و برای سالیان طولانی مورد ستم و محدودیتهای ظالمانه قدرت امپریالیستی اشغالگر اسرائیل قرار گرفته اند. این نتیجه سیاستها و پالیسیهای ارتجاعی گروه های سیاسی مختلف (از جمله حماس و جهاد اسلامی) حاکم بر خلق فلسطین است. جریان اوضاع طی سالیان اخیر نشان داده است که رهبران حماس در برابر کشته شده های خلق غزه توسط دولت جنایتکار اسرائیل احساس درد ورنج و مس‌عولیت نمی کنند. حماس و جهاد اسلامی طی دوران حاکمیت آنها در غزه در مواردی با شیوه های مختلف دولت و ارتش اسرائیل را ناعاقبت اندیشانه تحریک کرده اند که در نتیجه فلسطینی های زیادی قربانی شده و ویرانیهای زیادی را ببار آورده است. و دست آورد آنها تبلیغات گسترده در محکومیت دولت اسرائیل در سطح جهان بوده است. چنانچه چندی قبل یکی از رهبران سیاسی حماس در مصاحبه با بخش عربی تلویزیون بی بی سی با خون سردی تمام گفت: « کشته شدن فلسطینی ها امر عادی است^۲ آن ها طی سالیان متمادی کشته شده اند».

مرور کوتاهی به جنایات رژیم صهیونیستی و فاشیست اسرائیل علیه خلق اسیر فلسطین طی هفت دهه اخیر:

دولت صهیونیستی اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی توسط امپریالیسم انگلستان و حمایت سایر قدرتهای امپریالیستی در سرزمین متعلق به فلسطینی ها (که در آن زمان تحت سلطه استعماری انگلستان قرار داشت) تشکیل گردید. گرچه اقلیت کوچکی از یهودیها قبلاً در این سرزمین ساکن بودند؛ لیکن با کمک دولتهای امپریالیستی جمعیتهای های بزرگ یهودیها از کشورهای اروپایی و آسیا و آفریقا و سایر نقاط جهان به این سرزمین منتقل شدند و جمعیت نسبتاً بزرگی را در کنار عربهای فلسطینی تشکیل دادند. شکی وجود ندارد که قدرتهای امپریالیستی بر اساس نقشه ها و اهداف امپریالیستی شان دولت اسرائیلی (یهود) دست نشانده ای شان را در منطقه مهم استراتژیک و یکی از ذخایر بزرگ انرژی جهان در بین کشورهای عربی بوجود آوردند و تاکنون از آن حمایت همه جانبه سیاسی^۳ اقتصادی و نظامی کرده و می کنند. و ارتش دولت اسرائیل یکی از ارتشهای قدرتمند جهان بشمار می رود. در حالیکه فلسطینی ها فاقد دولت مستقل و ارتش منظم و اسلحه لازم بوده که بتوانند در برابر چنین دشمن قدرتمندی از خود دفاع کنند. طی این مدت اکثریت قاطع فیصله نامه های که ملل متحد در تقبیح و محکومیت ستم و مظالم و تجاوزات و کشتار و جنایات سبعانه دولت صهیونیستی اسرائیل علیه خلق مظلوم فلسطین صادر کرده است

خاینانه از جانب دولت های امپریالیستی اروپایی و امریکا «وتو» شده است. از جانب دیگر چون ملل متحد تحت سلطه قدرتهای بزرگ امپریالیستی خاصاً امپریالیسم امریکا قرار دارد؛ دولت اسرائیل کمترین وقعی به منشور ملل متحد و حقوق بین المللی و فیصله نامه های ملل متحد نگذاشته و منحصراً یک دولت فاعل مختار در جهان رفتار و عمل می کند و بر وفق این ضرب المثل عامیانه « مری داری مریا بخور». تشکیل دولت اسرائیل همزمان بود با کشتار فلسطینی ها از جمله قتل عام ۴۰۰ تن مرد وزن و کودک از اهالی روستای «دیر یاسین» واقع در بلندیهای مشرف به بیت المقدس در نهم ماه اپریل سال ۱۹۴۸ میلادی توسط صهیونیستهای جنایتکار اسرائیل. همچنین بیرون راندن جبری بیش از ۷۰۰ هزار تن از جمعیت عرب فلسطین از خانه های شان در همین سال یکی دیگر از جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه خلق عرب فلسطین است. بهمین صورت فلسطینی ها روز تاسیس دولت اسرائیل را «روز نکبت» می نامند. طی ۷۵ سالی که از تشکیل دولت استعمارگر و غاصب اسرائیل این سگ زنجیری امپریالیسم امریکا می گذرد دردها و مآثر دیگر کشتار و قتل عامهای فجیع خلق اعراب فلسطینی توسط صهیونیستهای اسرائیل صورت گرفته است. از جمله قتل عام آوارگان فلسطینی در کمپهای «صبرا و شتیلا» در لبنان در سال ۱۹۸۲ میلادی که صهیونیستهای اسرائیل با کمک نیروهای مزدورشان (شبه نظامی های فالانژ لبنانی) طی سه روز بیش از چهار هزار تن فلسطینی را وحشیانه قتل عام کردند. مورد دیگر از این قتل عامها در سال ۲۰۱۴ میلادی توسط ارتش وحشی اسرائیل در نوار «غزه» صورت گرفت که ۲۱۴۰ تن از جمله ۵۷۷ کودک فلسطینی را بقتل رسانده و چندین هزار تن را مجروح و معلول کرده و ۱۵۰۰ منزل مسکونی و ساختمانهای عام المنفعه را در غزه ویران کردند. دولت استعمارگر اسرائیل طی ۷۵ سال با حمایت همه جانبه ابر قدرت امپریالیستی امریکا و امپریالیستهای اروپایی به کشتار خلق فلسطین و غصب اراضی و خانه های آن ها و بیرون راندن جبری صدها هزار تن فلسطینی از سرزمین شان ادامه داده است. در ماه جون سال ۱۹۶۷ میلادی ارتش اسرائیل طی ۶ روز صحرای سینا، کرانه باختری رود اردن، نوار غزه، بلندیهای گولان و شهر قنیطره را به اشغال در آورد و بر تمام اورشلیم مسلط گردید. اراضی تحت سلطه اسرائیل به بیش از سه برابر افزایش یافت. امپریالیسم استعمارگر اسرائیل پنج دهه است که فلسطین را اشغال نظامی کرده و خلق مظلوم آن را به زنجیر اسارت استعماری در آورده است.

در سال ۱۹۹۳ میلادی پیمان اسلو (کشور ناروی) بین حکومت اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) با مضار سید و تشکیل حکومت خودگردان فلسطینی بعنوان یک نهاد اداری موقت مقرر گردید. و قرار بود این پیمان برای یک دوره ۵ ساله معتبر باشد و بعد طی مراحل بعدی به تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی بانجامد که هرگز بانجامد و عامل عمده ای آن زورگوییها و مانع تراشیهای از جانب دولت اسرائیل بوده و تسلط استعماری آن تاکنون ادامه یافته است. جنایت دیگر دولت اسرائیل آبا د کردن شهرکهای یهودی نشین در سرزمین های اشغالی در بخش فلسطینی کنار رود اردن می باشد که حدود ۶۰۰ هزار نفر از یهودی های افراطی و متعصب را در آنجا ساکن ساخته است. گرچه دولت اسرائیل به اثر فشار مبارزات خلق فلسطین و خلقهای جهان و مصالح استعماری آن در سال (۲۰۰۵ میلادی) ظاهراً ارتش خود را از بخش فلسطینی «غزه» خارج کرد؛ لیکن در سال ۲۰۰۹ میلادی غزه از زمین و فضا و دریا در محاصره ارتش دولت اسرائیل قرار گرفت و گاهی شده است که در زمان طولانی اجازه ورود ضروری ترین اشیاء از جمله مواد غذایی، آب، برق، ادویه و مصالح ساختمانی را برای ساکنان غزه نداده است. از آن تاریخ بعد دولت اسرائیل به بهانه های واهی مختلف بر کشتار و وحشیانه و از هر نوع عمل ضد انسانی علیه خلق فلسطین کار گرفته است. و نیز کشتار و وحشیانه طی ۶ هفته و قتل عام روز)

۱۴ می) سال ۲۰۱۸ میلادی مثال دیگری از جنایات سبعانه دولت اسرائیل می باشد. در همین روز در شهر بیت المقدس ارتش دولت صهیونیستی اسرائیل به جنایت هولناکی دست یازیده و ۶۱ تن فلسطینی را در مرز اسرائیل با غزه بقتل رسانده و بیش از ۲۷۰۰ تن را به شدت زخمی کرد. در همین جریان شش هفته تظاهرات خلق فلسطین را به گلوله بسته و بیش از ۴۰ تن را بقتل رساند و ۲۲۰۰ تن را مجروح کرد. دولت اسرائیل همه این جنایات را بنام واهی «دفاع از خود» «توجیه» نموده و قدرتهای امپریالیستی در راس آن ها امپریالیسم امریکانیزبیشرمانه همه این اعمال جنایتکارانه دولت اسرائیل علیه خلق مظلوم فلسطین را «حق دفاع از خود» خوانده و از اعمال جنایتکارانه دولت اسرائیل علیه خلق مظلوم و ستمدیده فلسطین دفاع کرده اند. برگردیم به بخش اول این نوشته:

گفته می شود که ۳ روز قبل از حمله حماس و جهاد اسلامی به خاک اسرائیل سازمان جاسوسی مصریه دولت اسرائیل و رئیس کمیته خارجی پارلمان امریکا اطلاع داده بود که حماس در تدارک حمله به اسرائیل است. مورد دیگر از این قبیل: «گزارش یک تن از جمله یگان های متشکل از زنان جوان سرباز که تنها وظیفه داشتند که ساعتها در مراکز و پایگاه های دیدبانی مرزی (بین اسرائیل و نوار غزه) بنشینند و دنبال نشانی از هر چیز مشکوکی بگردند. در ماه های قبل از حملات ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ میلادی حماس و جهاد اسلامی؛ آنها چیزهای مشکوکی می دیدند: یورشهای تمرینی گروگانگیرهای آزمایشی و کشاورزانی در آن سوی حصارها که رفتارهای عجیبی از خود نشان می دادند. این سرباز «نوا» که اسم واقعی اش نیست می گوید آنها اطلاعات مربوط به مشاهدات خود را به افسران اطلاعاتی ورده بالاتر منتقل می کردند اما کاری از دست شان بر نمی آمد. اومی گوید: «ما فقط چشمی برای دیدن بودیم». برای بعضی از این زنان روشن بود که حماس نقشه ای بزرگ در سر می پروراند. به گفته (نوا) وضعیت شبیه بادکنکی در آستانه ترکیدن بود.» (نقل از وبسایت فارسی بی بی سی - ۲۰ جنوری ۲۰۲۴). ولی دولت اسرائیل هیچ اقدامی در زمینه انجام نداد. این فرض مطرح می شود که دولت ارتجاعی اسرائیل برهبری نتانیا هو از این حمله اطلاع داشته و اجازه داده تا حمله حماس صورت گیرد. از آنجاییکه نتانیا هو طی یک سال اخیر با مخالفت های گسترده مخالفین سیاسی و مردم اسرائیل مواجه است و همچنین تحت فشار مقامهای قضایی به نسبت جرایم سنگینی که به آن متهم است قرار داشته و خواست تا از این اوضاع به نفعش استفاده کرده و بر مشکلات اش بطور موقت فایق آمده و موقعیت دولتی اش را حفظ کند. آنهم در شرایطی که به اثر حمله وحشیانه حماس و کشتار و گروگانگیری در «۷ اکتوبر» افکار عمومی در اسرائیل بنفع حزب نتانیا هو و دیگر یهودی های راست افراطی به شدت آماده شده است تا ارتش هرچه گسترده حماس و جهاد اسلامی را سرکوب کرده و خلق مظلوم غزه را وحشیانه کشتار نماید. از جانب دیگر در این جنگ حامیان حماس و جهاد اسلامی (دولت ارتجاعی اسلامی ایران و امپریالیسم فدراسیون روسیه) در برابر رقبای امریکایی و اروپایی شان برای شان منافی متصور بودند؛ یعنی برگرداندن توجه بیشتر امریکا به شرق میانه و کمک به دولت اسرائیل. همچنین حماس و جهاد اسلامی و دولت ایران بخوبی می دانستند که بعد از حمله حماس و کشتار و گروگانگیری یهودیان دولت اسرائیل خاصاً حکومت «نتانیا هو» چی بلا یو مصایب خونباری بر سر مردم «غزه» می آورد که آورد. از جهت دیگر حماس و جهاد اسلامی و دولت ایران این بار از شدت و گستردگی و تداوم حملات ارتش اسرائیل تا ساقط کردن قدرت دولتی حماس را پیش بین نبودند. با آنهم از بربریت و کشتاری رویه خلق غزه و ویرانیهای گسترده در این منطقه توسط ارتش اسرائیل در برابر چشم جهانیان با مظلوم نمایی و تبلیغات گسترده در سطح جهان توانستند علیه اسرائیل و امریکا استفاده کنند. زیرا در اوضاع کنونی جهان اخبار و صحنه های وحشتناک و غم انگیز کشتار فلسطینی ها توسط ارتش وحشی اسرائیل لحظه به لحظه به اطلاع

جهانیان رسانده می شود و خلقهای تحت ستم جهان هر چه بیشتر به ماهیت و خصلت جنایتکارانه و امپریالیستی و ضدبشری رژیم صهیونیستی اسرائیل و حامیان آن امپریالیسم امریکا و امپریالیستهای اروپایی آگاهی حاصل می کنند. و بالمقابل حماس و جهاد اسلامی و دولتهای حامی آن ها (دولت ارتجاعی ایران و امپریالیسم فدراسیون روسیه) که بدون شک از طرح و نقشه این حمله ماجراجویانه علیه دشمن وحشی و خونخوار خلق فلسطین آگاهی داشته اند؛ از اینرو نمی شود که مس‌عولیت این همه تلفات انسانی و ویرانی و دردورنج و عذاب خلق فلسطین را به عهده نداشته باشند. زیرا این گونه اقدامات ماجراجویانه که از عاقبت و حشمتبار آن نیز اطلاع داشتند هیچ ربطی به مبارزه آزادی خواهانه و استقلال طلبانه خلق فلسطین نداشته و ندارد. و از جانب دیگر گروه های حماس و جهاد اسلامی به لحاظ ایدئولوژیکی هیچ باوری به مبارزه مترقی آزادی خواهانه و استقلال طلبانه خلق فلسطین نداشته و ندارند. و در برنامه های شان صحبت از «ادامه جهاد علیه یهود و نصاراتا قیامت» دارند. و از این جنگ بهره برداری سیاسی کرده و طی سالیان طولانی بنام خلق مظلوم و زجرکشیده فلسطین صاحب میلیونها دلار شده اند. و حامیان آن ها از جمله دولت ارتجاعی ایران و امپریالیسم روسیه استفاده تبلیغاتی علیه رقبای غربی شان نموده اند. امپریالیسم فدراسیون روسیه به لحاظ تبلیغاتی علیه رقبایش امپریالیسم امریکا و امپریالیستهای عضو «ناتو» از این جنگ مستفید گردید و توانست توجه مردم جهان را از جنایات خودش علیه خلق اوکراین از سر خط اخبار در مطبوعات جهان ببیند. و در نهایت در این جنگ جنایتکارانه این خلق مظلوم فلسطین است که قربانی سیاستها و اهداف ارتجاعی رهبران شان (حماس و جهاد اسلامی) شده اند. بیقین که اثرات روانی این جنایت و وحشت رژیم اسرائیل بیشتر از جنایات و وحشیگریهای قبلی آن علیه خلق فلسطین طی ۷۵ سال روان نسل در نسل این خلق مظلوم و ستمدیده رامی آزارد و کینه و نفرت آن در اذهان آن ها باقی مانده و هرگز فراموش خاطر آن ها نخواهد شد. خاصاً که گروه های ارتجاعی اسلامی در فلسطین مانند حماس و جهاد اسلامی طی چندین دهه مبارزه خلق فلسطین علیه صهیونیستهای اسرائیل را «جنگ بین دودین» توصیف کرده اند. خاصاً بعد از سال ۱۹۶۷ میلادی که دولت اسرائیل فلسطین را اشغال نظامی کرد و به تسلط استعماری اش در آورد. این خصومت و کینه توزی طی سالها تشدید شده است. حاکمان غزه اگر در این جنگ قدرت نظامی آن ها تخریب شود و حکومت آن ها ساقط گردد؛ ولی به لحاظ فکری و ایدئولوژیکی نزد توده های عوام ناآگاه فلسطین قوی باقی می ماند. چنانچه در یک نظرسنجی که توسط یک بنگاه نظرسنجی فلسطینی طی یکماه (نوامبر و دسامبر ۲۰۲۳) صورت گرفته است ۷۲ درصد مردم ساکن در کناره رود اردن موافق حمله حماس در «۷ اکتوبر» به اسرائیل هستند و ۸۲ درصد مردم در نوار غزه از آن طرفداری کردند. ۹۰ درصد مردم غزه طرفداری خود از حماس را بیان کرده اند. و معتقداند که حماس مرتکب جنایات جنگی نشده است. ۹۲ درصد فلسطینیان از محمود عباس رئیس دولت خودگردان فلسطین ناراضی اند و می گویند که باید برود. و «دست آورد» بزرگ حماس از حمله غافلگیران «۷ اکتوبر» مس‌عله گروگان ها است که می تواند در برابر رهای آنها امتیازاتی را از دولت اسرائیل بدست آورد. زیرا دولت اسرائیل از این ناحیه شدیداً تحت فشار فامیلیهای گروگانها و اذهان عامه اسرائیل قرار دارد. متأسفانه که در نبود نیروی واقعاً انقلابی پرولتری در بین خلق فلسطین؛ باز هم مانند گذشته و حال گروه های ارتجاعی اسلامی و دیگر گروه های ارتجاعی به کمک قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی منطقه از این نفرت و انزجار و کینه و خصومت شدید خلق ستمدیده فلسطین علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل در جهت استراتژیها و اهداف ارتجاعی شان در منطقه استفاده خواهند کرد. نجات واقعی خلق فلسطین مبارزه انقلابی رها بیخش تحت رهبری یک حزب انقلابی پرولتری است.

نتانياهو (این جلاد خون آشام) صدراعظم اسرائیل پیش‌زمانه صحبت از «جنگ تمدن و بربریت» کرده است درحالی‌که درگذشته طی سه و نیم ماه اخیر دولت اسرائیل با کشتار و جنایاتی که علیه خلق فلسطین انجام داده است؛ بارها بثبوت رسیده که دولت اسرائیل فاقد کمترین اوصاف یک رژیم متمدن بوده و از جمله وحشی‌ترین و جانی‌ترین رژیم‌های حاکم در جهان بوده و کشتار و جنایات اخیر آن در «غزه» موعید آن است. و نشان می‌دهد که طبقات حاکم اسرائیل خاص‌تأیه‌دیه‌های افراطی عطش سیری ناپذیری در کشتار خلق فلسطین دارند. دولت استعمارگرو نژاد پرست اسرائیل در (۲۱ نوامبر روز جهانی کودک) از چهل کودک گروگان در نزد حماس و جهاد اسلامی (که این عمل غیر انسانی و ظالمانه علیه کودکان به شدت محکوم است) رجز خوانی کرد و اشک تمساح ریخت؛ لیکن از قتل فجیع ۶ هزار کودک فلسطینی (تا این تاریخ) و در درونج و مصایب صدها هزار کودک دیگر در «غزه» (که خود عامل آن است) نام نمی‌گیرد. همچنین مرگ ۱۷۹ تن نوزاد ناپخته و مریض کلان سن بتاریخ ۱۶-۱۱-۲۰۲۳ در بیمارستان «الشفاء» که به موجب قطع برق و تیل و دوات توسط دولت اسرائیل صورت گرفت و این یکی دیگر از جنایات شنیع آن است. طبق گزارش یکی از روزنامه‌های امریکا «دولت اسرائیل چندین ماه قبل از «۱۷ اکتوبر» از این حمله حماس و جهاد اسلامی اطلاع داشته است؛ ولی نتانياهو به آن توجهی نکرده است». بعبارت دیگر نادیده گرفته شده تابهانه ای در قتل عام فلسطینی‌ها و تداوم عمر ننگین دولت آن باشد و با تمسک به آن بتواند فاجعه جنایتبار قتل عام خلق غزه را «توجیه» نماید.

قضیه فلسطین طی عمدتاً ۷۵ سال و علی‌الخصوص طی ۴۶ سال اخیر از مسایل پیچیده جهان در ملل متحد (بخوان «دول متحد») بوده و نفوذ و تسلط بلا منازع قدرتهای امپریالیستی از جمله ابر قدرت امپریالیستی امریکا و قدرتهای امپریالیستی غربی (حامیان و مدافعان اصلی دولت صهیونیستی اسرائیل) در آن طی این مدت طولانی قضیه فلسطین امکان حل پیدا نکرده و دولت استعمارگر اسرائیل با قدرت نمایی و با اتکا به حامیان امپریالیست آن هر فیصله «ملل متحد» مبنی بر راه حل دو کشور اسرائیل و فلسطین را کمترین وقعی نگذاشته و به اشغال نظامی و تسلط استعماری و جنایات سهمگین آن علیه خلق ستم‌دیده و مظلوم فلسطین ادامه داده است. بفرض اگر راه حلی هم (مبنی بر تشکیل دولت مستقل فلسطین در دو بخش نوار غزه و کناره رود اردن) پیدا شود؛ آتش‌کینه و خصومت بین اسرائیل و فلسطین با آسانی در این منطقه خاموش نخواهد شد. و این کینه و نفرت تادیه‌ها و چند نسل دیگر باقی خواهد ماند. خاصتاً وجود حضور نیرومند یهودی‌های صهیونیست افراطی و متعصب در طرف اسرائیل و وجود و حضور گروه‌های ارتجاعی اسلامی افراطی متعصب در طرف فلسطین بر مبنای ماهیت ایدئولوژیک - سیاسی و خصلت طبقاتی و گروهی شان از طرق مختلف و به شیوه‌های گوناگون اجازه نخواهند داد که این آتش خاموش شود و نزاع بین دو دولت یهودی و مسلمان در کناره‌های دیگر به مرور زمان فروکش نماید. و گروه‌های ارتجاعی مذهبی افراطی و متعصب یهودی و مسلمان در هر دو طرف هر از گاهی باز هم آتش جنگ و نزاع را شعله ور خواهند ساخت. یهودی‌های افراطی و متعصب در مکاتب و دانشگاه‌ها و کنیسه‌ها فلسطین ستیزی را در اذهان اطفال و نوجوانان و جوانان اسرائیل القامی کنند. بهمین صورت گروه‌های ارتجاعی اسلامی افراطی و متعصب فلسطینی در مکاتب و دانشگاه‌ها و مساجد یهود ستیزی را در اذهان اطفال و نوجوانان و جوانان القا می‌نمایند. این افکار و نیت‌زشت و مضر در هر دو جامعه اسرائیل و فلسطین به یک مرض اجتماعی مزمن مبدل شده است و به آسانی مداوا نخواهد شد. لیکن ختم جنگ و نزاع و نفرت و برقراری صلح واقعی در این سرزمین در صورتی امکان پذیر است که حاکمیت امپریالیستی طبقات ارتجاعی حاکم در اسرائیل و حاکمیت طبقات ارتجاعی و سلطه امپریالیسم و دولتهای ارتجاعی در فلسطین سرنگون شود.

و این مامول فقط از طریق مبارزه طبقاتی انقلابی خلق فلسطین و خلق اسراییل تحت رهبری احزاب انقلابی پرولتری واقعی و پیروزی انقلاب پرولتری و تشکیل دولت های واقعاً دموکراتیک مردمی تحت رهبری طبقه پرولتاریا برآورده خواهد شد. در آن صورت است که خلقهای فلسطین و اسراییل خواهند توانست در کنار هم با صلح و آرامش زندگی کنند. اگرچه تحقق این مامول دورنمای نزدیکی ندارد ولی از ناممکنات هم نیست.

- نابود باد امپریالیسم و ارتجاع بین المللی !

- مرگ بردولت فاشیست و جنایتکار اسراییل!

- پیروز باد مبارزات انقلابی خلقهای جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع!

۲۱ جنوری ۲۰۲۴ میلادی

(پولاد)